

## کمدی تاریخ

### مصاحبه با رهبر زنان فعال رفرمیست و لیبرال !

کمپینگ دفاع از همکار شکنجه گران ، بشتابید ، غفلت موجب از دست رفتن فرصت های باد آورده است !

اخیراً جمعی از زنان لیبرال و رفرمیست ساکن آلمان طبق معمول هر ساله جلسه داشتند و امسال آن رادر هانوفر آلمان برگزار کردند و یکی از همکاران شکنجه گران معروف به اسم سیبا معمار نویری هم در نشست سه روزه حضور داشت و توسط دو نفر از زندانیان سیاسی سابق شناسایی شد ، که این مسئله برای عده ای از زنان سؤال برانگیز بود و به همین دلیل یکی از رهبران برجسته رفرمیست آنها، با دادن یک اطلاعیه بالا بلند و مخاطب قرار دادن حافظه جمعی ، فردی ، حقوق بشری ، دمکراتی ، جریانات غیر حزبی از دید رهبری یعنی به ظاهر خنثی ولی درحقیقت سوسیال دمکرات های خائن تلاش کرده است که حافظه ها را برای پذیرش بقیه همکاران شکنجه گران جلب و برای آنها حیثیت کسب کنند.

عده ای از زنان رفرمیست و لیبرال که از وضعیتی که در جلسه زنان فعال رفرمیست پیش آمد به شدت نگران شده اند و خواسته اند که با رهبرشان مصاحبه ای ترتیب داده شود، از آن جایی که رهبر سرشان به حقوق بشریها بند است و به خاطر تماس دایم با مقامات بسیار حقوق بشریشان ، ما ایشان را گیر نیاوردیم ، بنابراین تصمیم گرفتیم از روی نظراتشان که در سایت های و مجلات رفرمیستی و لیبرال و همین طور نشریه آرش متعلق به دار و دسته نگهدار جانی انعکاس می یابد ، یک مصاحبه غیر زنده با ایشان ترتیب دهیم و جواب های مورد نظر زنان پیرو ایشان را منعکس کنیم .

شاید عده ای در جریان نباشند، که از وقتی که جریان خانم سیبا با اسم مستعار زیباخانم از طریق دو نفر از زندانیان سیاسی سابق با حافظه جمعی خطا کار لو رفت ، ایشان در مورد سایر همکاران شکنجه گران به شدت نگران شدند ، بنابراین جریبان را با حقوق بشری های در میان گذاشته و چاره جویی کردند، تا بتوانند تمام همکاران شکنجه گران را هر چه زودتر جمع آوری و به مکان امنی دور از دسترس زندانیان سیاسی رادیکال ، در کشورهای طرفدار رفرمیست ها منتقل کنند ، که هم برای دلجویی از آنها که از طرف زندانیان سیاسی مقاوم سنتی زخم خورده اند، و در گوشه تیمارستانها دارند خودشان را برای مأموریت آینده تقویت میکنند، مدال پناهندگی داده شود و هم مثل زیبا جان از آغوش پر مهر و محبت زنان رفرمیست بهره مند شوند ، چون در آینده اگر رژیم مورد نظر ایشان سر کار آمد، از تجربیات آنها حداکثر استفاده بشود ، بدین خاطر که تا شعارهای رزمندگی بر علیه سرمایه داران مهربانشان وجود داشته باشد و کارگران را به این خیال بیندازد که دنیا متعلق به آنهاست و نه سرمایه داران عزیز، به تجربیات و زحمات بی دریغ آنها احتیاج است ، چون تا این مارکسیست ها و شعار رزمندگی آنها وجود دارد ، به زندان و چوبه دار نیاز است .

درضمن از آن جایی که خود ایشان هم خیلی اهل نظر هستند، و به شدت مایل هستند نظرات مشعشع شان هرچه بیشتر تبلیغ و ترویج شود و حلقه رفرمیست ها و نان به نرخ روز خورها هر چه بیشتر وسیعتر گردد، و طرفداران مبارزه طبقاتی منزوی شوند، این مصاحبه غیر حضوری با ایشان ترتیب داده شده است .

س - اولین سئوالی که در رابطه با نظراتان در رابطه با خانم بیمار خیلی سر موضعی شما مطرح میباشد ، این است که شما برای تأیید کردن بیمارتان در مقابل مقامات بسیار محترم خیلی حقوق بشری مجبور شده اید که در خلوت شکمتان به بحر تفکر فرو بروید و به اصطلاح تصمیم شکمی بگیرید ، آیا این به معنی این هست که برای این کار استخاره میکردید و یا مهم تر از این چون شما هم از فرزندان آیات عظام هستید درعالم خلسه به امر مهم تأییدیه برای او پرداختید به همان گونه که جد تان در " کوههای حرا" ضمن چراندن گوسفندان اربابش خدیجه خانم مشغول غورو تفکر در شکمش بود که چگونه با دوز کلک دنیایی را بچاپد؟

ج - رهبر معظم ، من همیشه تصمیمات مهم زندگیم را برطبق نوع صداهای شکم می گیرم .

س - در ادامه سئوال قبلی یعنی موقعی هم که تصمیم گرفتید که انزجار بدهید ( محکوم کردن گروهها انقلاپی و مبارز و تأیید رژیم جنایت پیشه سرمایه داران اسلامی ) و یا اوایل سال ۶۹ در جریان زلزله در گیلان زمانی که اکثر زندانیان سیاسی زن در سلولهای انفرادی بودند چادر به سر کردید و به دفتر بند به زنان زندانبان جانی مراجعه

کردید که خواهران می خواهم خون بدهم و آنها گفتند برو بیرون خون تو نجس است آیا باز هم طبق صداهای شکمی بود؟

ج - رهبر معظم ، یک کلام بگویم این مسائل ایدئولوژی ، میدئولوژی سرش نمی شود ومهمتر از همه شعار رزمندگی و زمندگی یعنی کشک ، تازه اگر آنها خون من را می گرفتند و حتی به رهبر عظیم تزریق میکردند مسئله ای نبود مسئله این است که رهبر عظیم هم خود قربانی این سنتی ها هستند ، درضمن باید تأکید کنم ، از آن سالها که میخواستم چریک بشوم فاصله گرفته ام چون آن دوران که همه تلاش میکردند که بدانند چریک چه جوری هست گذشته و هرکس به فکر چریک بازی بیفتد سرش بر تنش سنگینی میکند و من اکنون در دنیای مدرن و متمدن و دمکراتیک و حقوق بشری غوطه می خوردم و تلاشم این است که اگر صداهای شکمی به چرخاندگان مؤسسات حقوق بشری و جایزه صلح بازی نازل بشود بتوانم مثل خانم شیرین عبادی جایزه صلح را بگیرم و آینده ام را کاملاً تضمین کنم .

سؤال - شما گفته اید که تلاش میکنید که بین همکاران شکنجه گران و شکنجه شدگان آشتی بدهید، مگر سازمان شما با تمام تلاشی که تا به حال کرده است که بین کارگران و سرمایه داران آشتی طبقاتی برقرار کند ، موفق بوده است که شما بتوانید موفق شوید؟

جواب - مثل اینکه شما نمی بیند که حتی بعضی کسانی که خود را رادیکال میدانند ، اطلاعاتشان را از گروه ما میگیرند و حتی از پیشنهادات گروه من استقبال و چاره جوئی هم میکنند ، مگر نمی شنوید که رهبر برجسته مان آقای شال را رفیق هم خطاب میکنند، و چون ایشان داستان های شیرینی در باره مهربان بودن سرمایه داران تعریف میکنند ، آنها ایشان را برای سخنرانی هایشان دعوت میکنند، گروه من همیشه تلاش کرده است که سازمان مان محل راحت و امنی باشد برای کسانی که میان دو صندلی می نشینند و کسانی که نقشه رفتن به ایران را برای تجارت دارند و یا هم اکنون هم برای تجارت به ایران میروند و می آیند و درضمن برای اینکه وجدانشان هم راحت باشد که کارسیاسی هم میکنند ، از گروه ما استقبال میکنند .

سؤال - در ادامه سؤال قبلی شما از اینکه توانسته اید بعضی میش ها و گرگ ها را بر اساس تز مسالمت آمیز برادران روسی تان کنار هم بنشانید و با آنها جشن و سور برپا کنید، مدال به سینه خودتان میزنید، ولی در عین حال به بیماری لوزه و هیستری دچار شدید و وحشتزده هستید که تلاش هایتان آب در هاون کوبیدن باشد ، بنابراین آیا شما فکر میکنید که کسانی که با رفرمیست ها مرز بندی دارند و یا امثال بنفشه و سارا که دوست شکنجه گر شما زینب خانم ( زهراخانم زندان ) را افشاء کردند ، مسئله شخصی با شما و برادران و خواهران توده ایتان دارند و نه مسئله کینه طبقاتی نسبت به سرمایه داران جانی و مزدورانش؟

جواب - قبل از هر چیز خواهش میکنم ما را دوست توده ای ها خطاب نکنید ، چون ما خودمان توده ای به تمام معنی هستیم و از نظر تصمیمات شکمی ، یک شکم واحد هستیم ، ما تمام تلاشمان این است که جنایات سرمایه داران را ماست مالی کنیم و حتی خودم هم کتابی را که با کمک همسرم نوشتم ، تمام تلاشم این بود که به دیگرانی که هم پالگیم هستند حفته کنم که زندان مسئله ای خیلی ساده و شوخی بود و حاجی رحمانی و سایر شکنجه گران و همکاران آنها مثل سیباها با زندانیان سر شوخی داشتند، و اگر به فرض کسی را هم شکنجه میکردند که نمیکردند ( شایعه حافظه جمعی خطاکار است )، تعزیر اسلامی بوده است و نه شکنجه و اگر این نبود که سنگ روی سنگ بند نبود. شعار رزمندگی و کارگران سیستم گران قدر سرمایه را زیر و رو و نابود میکردند.

سؤال - گفته اید دوستان که از زندانیان سابق زندانهای سرمایه داران سلطنتی است و تقاضای عفو آریا مهربی کرده بود و از شدت عذاب وجدان بیمار و در بیمارستان بستری شد، و شما براساس تئوریتان آشتی گرگ و میش ، تقصیر آن را به گردن کسانی می اندازید که با او در زندان مرزبندی داشتند ، و دلیلش هم این بود که عفو آریامهربی را مفت و مجانی به کسی عرضه نمی کردند و باید همکاری اطلاعاتی میکردند، و مسئله امنیتی ایجاب میکرد، که این احتمال داده شود که کسانی که تحمل ماندن در زندان را ندارند و حاضرند در مقابل خونخواران به خاک بیفتند، به مرحله ای برسند که حتی حاضر به همکاری اطلاعاتی هم بشوند، آیا باید سایر زندانیان سیاسی به سینه آنها مدال میزدند به همان گونه که شما به سینه همکار شکنجه گران میزنید و ناراحت هستید که وقت بیشتری به او داده نشده که از رژیم سرمایه داران جانی اسلامی تمام مدت حمایت و برایشان تبلیغ کند؟

جواب - من به این دمکراسی دهن پرکن سرمایه داران ، به آقای گالین دوپا که به من شغل حقوق بشری داد، مدیون هستم ، من توانستم از این همه آزادی که سرمایه داران به من بخشیدند ، حداکثر استفاده را ببرم ، مثلاً خودم را نویسنده قالب کنم و عضو برجسته کانسون نویسندگان رفرمیست بشوم ، سخنگوی زندانیان رفرمیست بشوم ، مدال روانشناس شکنجه بودن را هم به سینه ام نصب کنم ، درضمن شغل هنرپیشگی و سیاست بازی را هم خوب یاد گرفتم که سود ها از آن برده ام ، بنابراین در برابر بخشش سرمایه داران مدیون هستم و برای ادای دین باید به همه کسانی که خون شان توسط سیستم سرمایه مکیده می شود بگویم ، بابا دنیا دو روز هست بیایید ، با سرمایه داران مهربان دوستی های شیرین و دوست داشتنی داشته باشیم و بر علیه آنها خط و نشان نکشیم ، چون تنها یک طبقه ممتاز سرمایه داران وجود دارد و بقیه باید به پایش خون خود را نثار کنند ، در عوض ما هم در بهشت از حوریان و غلامان بهره خواهیم برد و از

شراب هایش که در جوی ها روان است سرمست خواهیم شد ( از سخنان جدم در کوههای حرا با گوسفندان خدیجه خانم ) .

سؤال - چرا شما از شعار رزمندگی این همه وحشت دارید ، آنها که مثل شما رفرمیست ها آن همه امکانات رادیویی و سایت و نشریه ندارند ؟

جواب - مگر شما ندیدید که دو نفر از آنها چگونه جلسه ما را در هانوفر آلمان به هم ریختند، اگر جلوی آنها گرفته نشود، حتی با کمترین امکانات هم می توانند نظم موجود را دچار خطر کنند، آیا کنفرانس برلین را فراموش کرده اید ، با وجود اینکه ما راه کارگریها با کمک برادرانمان توده ای ها و نوچه هایش نگهدار و همین طور سلطنت طلبان آنها را چماقدار می نامیدیم و حتی راه کارگر رسماً بیانیه داد و آنها را چماقدار خطاب کرد ، ولی آنها با شعار مرگ بر جمهوری سرمایه داران اسلامی نه تنها از سخنرانی برادر قهرمانمان گنجی کبیر و همفکرانش جلوگیری کردند، بلکه به طور کلی کنفرانس را که برادران رفرمیست آلمانیان با هماهنگی برادران ایرانیان برنامه ریزی کرده بودند ، به هم ریختند ، و همه ما را ناکام گذاشتند.

س - شما که میگوئید که با شکنجه و اعدام مخالفید ، چگونه از کسی که با شکنجه گران همکاری میکرده است هم چادر می شوید ؟

ج - باور نکنید ، این ها همه شایعه پراکنی از طرف سنتی ها است و شعار رزمندگی است، چون براساس گفته خود خانم زیبا که برای بعضی ها در سمینار شرح داد ، که آنها به دست او شلاق نمی دادند وگرنه اگر تنگ هم میدادند همه را درجا می کشت ، چون حق مسلم او هست ، چون آنها همه سنتی بودند و با مقاومت خودشان باعث شدند که او قربانی شود، اگر این سنتی ها این همه مقاومت نمی کردند که قربانیانی مثل زیبا جان و هما کلهر و کیانوش اعتمادی وزهرا ضابتی و ..... بوجود نمی آمدند ، اگر این سنتی ها نمازشان را می خواندند و بر اساس نظر گروه ما یعنی راه کارگر که مصاحبه را تبلیغ میکرد، گوش میدادند و بر هر چه مبارزه و مقاومت ، منافع کارگران و زحمتکشان خط بطلان می کشیدند، این بیچاره ها مجبور نبودند خودشان را قربانی کنند ، من شمارا ای حافظه ها ی جمعی مورد خطاب قرار میدهم ، خواهش میکنم منصف باشید و قبول کنید که این ها تن به فداکار عظیمی دادند که خودشان را قربانی یک مشت سنتی چپول بکنند ، خودشان را روانی کردند و به جای اینکه بیایند از الطاف حقوق بشری ها برخوردار بشوند، در تیمارستانها بستری شدند ، لطفاً، ای حافظه جمعی ها این فداکاریها را ارج بگذارید ، آنها از این سنتی ها، زخم قربانی شدن را خورده اند، نگذارید که زخم این قربانیان باز شود و گرنه ما قادر به بستن آن نخواهیم بود و تا عمر داریم عذاب دنیا و آخرت را همراه خواهیم داشت . ما باید این سنتی ها ، یعنی کسانی که شعار پوسیده و کهنه شده رزمندگی را میدهند به محاکمه بکشیم ، من مطمئن هستم که یک روز با یاری زنان خیلی فعالان که شدیداً ضد کمونیست هستند این کسانی را که مقاومت کردند به محاکمه خواهیم کشید و درس عبرتی باشد برای آیندگان که دیگر در زندانها دست به مقاومت نزنند، و همین طور باید کسانی را که سال ۶۷ مقاومت کردند و چوبه دار را انتخاب کردند و به راهپیمایی به حمایت از رژیم مزدور نرفتند از گورهایشان بیرون کشید و محاکمه کرد، که اگر این وضع موجود به خوبی و همین طور موفقیت آمیز پیش برود این کار خواهد شد . البته خواهرمان که به اصطلاح در زندان سرمایه داران سلطنتی بود، با داد و بیدادش شروع به محاکمه زندانیان سیاسی مقاوم آن دوره کرده است و همین طور خواهر دیگرمان در زیر بوته لاله عباسی زندانیان سیاسی مقاوم زندانهای سرمایه داران اسلامی را سرزنش میکند که خودشان آتش بیار معرکه بوده اند وگرنه رژیم بیچاره تقصیر نداشت . او به نوعی راه را برای محاکمه این آتش بیاران باز کرده است و به همین دلیل من هم که از بزرگان توده ای ها هستم، دم در آوردم و کسانی را که شعار رزمندگی بدهند محاکمه کرده و از مقامات حقوق بشر می خواهم که اگر یک وقت قرار شد پناهندگی یک مدال افتخار باشد، فقط شامل من و امثال من و زیبایی نازنینم و هم رتبه هایش بشود.

س - پس با این ترتیب نتیجه می گیریم که به احزاب برادران یعنی توده ای و دار دسته نگهدار هم که در سال ۶۰ آن همه انقلابی را شناسایی و به جوخه اعدام جانان سپردند، نمی توان گفت که در جنایات رژیم شریک بودند ، بلکه نهایت فداکاری را کرده اند ، چون کلا سنتی ها سرشان به تنش زیادی میکند و باید آن را جدا کرد؟

ج - دقیقاً چون آنها در روند دموکراسی که در ایران بوجود آمده است می خواستند وقفه ایجاد کنند، البته من در نوشته ام در مجله اکثریتی ها یعنی آرش به مناسبت کشتن لاجوردی قهرمان گفته ام که می ترسم که کشتن او در روند دموکراسی در ایران خللی ایجاد کند.

سؤال - چرا شما نسبت به کسانی که شعار رزمندگی میدهند کینه دارید و این شعار را کشک میدانید ؟

جواب - خیلی روشن هست ، ما در یک دنیای مدرن شنا می کنیم ، در مکراسی غوطه می خوریم ، فرق نداره همه نوعش ، اسلامی ، امریکایی ، انگلیسی و .. ، خوب فکر کنید چقدر سرمایه داران دمکرات هستند که با وجود این همه دموکراسی که دارند ، نگهبانان حقوق بشر هم گذاشته اند که اصلاً لازم نیست و کسی نمی تواند نگاه چپ به دموکراسی

بکند. حیف که خانم رزا لوکزامبورگ مثل خیلی از سنتی های خودمان کله پول بود ( به قول خواهرم ، زیر بوته لاله عباسی سنتی ها کله پوک هستند و یا به قول رهبران گران قیمت حزب برادرمان توده آنها تریچه پوک هستند) و گرنه الان او هم مثل ما در دنیای دمکراسی داشت شنا میکرد، ولی او هم شعار رزمندگی میداد، و سرش که بر تنش سنگینی میکرد، که جدا کردند، درحالیکه ، اگر مثل ما نان را به نرخ روز خورده بود، الان دردار و دسته ما زنان فعال رفرمیست بود.

درضمن جمع ما هر روز گسترده تر می شود اعضای ما از ۱۰۰ به ۱۰۱ نفر میرسید و درضمن ایشان می توانستند زندگی نامه و خاطرات زیبا جان را که من و همسر من و خانم مینو زندانی سیاسی شاه داریم می نویسم و بزودی سود سرشاری هم از آن نصیبمان خواهد، بخواند و از فداکاری ها او در زندان لذت ببرد . البته به زودی تبلیغ آن راهمه سایت هایی که متعلق به توده ای ها ، نگه دار و راه کارگر هست شروع خواهند کرد.

سؤال – در ادامه سنوآل قبلی ، شما از دمکراسی اسلامی نام بردید ، مگر مذهب می تواند دمکراسی داشته باشد. وقتی که یک غول بی شاخ و دم نامرئی به اسم خدا را تراشیده اند که امورات همه را در دست دارد؟  
جواب – در هر صورت شما دارید ایجاد شکی میکنید که باعث اخلاص در سیستمی خواهد شد که برای خودش نظمی دارد و احتیاج به زندان و چوبه دار دارد و هم چنین زیباها را که برایشان از هر چیزی ضروری تر است، ولی در هر صورت جد من نور او را که از یک جایش می آمد دیده و همین طور مادر عیسی چوپان دیگری که همکار جدم بوده با خدا ازدواج کرده و عیسی پسر اوست ، اگر او دروغ است پس آقا عیسی از کجا آمده است ؟

سؤال – شما گفته اید که در رابطه با جای دادن زیبا در آغوش پر از مهرتان هیچ مسئله ای نیست چون شما حزب و مزب و از این چیزها خوشتان نمی آید و هر کسی می تواند در آغوش باز و گرم زنان رفرمیست فعال بهره ببرد، پس خانم رایس وزیر امور جارج بوش جانی هم اگر یک روز از او به خاطر تقسیم غنایم قهر کند ، در آغوش شما جای دارد؟

بدون شک ، آمدن او باعث گسترش جمع ما می شود، حتی خود آقای بوش هم به خاطر اینکه یکی از خواهران ما را به قدرت رساندند، در میان ما جای دارند و ما از ایشان متشکریم ، ما مدام می خواهیم هر چه بیشتر وسیعتر شویم و مثل برادران رفرمیست فعال کارگری بین المللی مان اتحادیه سراسری می شویم ، فدراسیون سراسری ، و مثل حزب برادرمان توده حزب می شویم ، البته برای اینکه دوباره سنوآل نکنید که من گفتم ما حزب نیستیم ، باید توضیح بدهم که ما حزب سنتی نیستیم که شعارهای رزمندگی تحریک آمیز و کور بدهیم که باعث برهم خوردن نظم موجود شویم ، نه ، ما حزبی خواهیم شد از نوع حزب برادرمان حزب توده که ساواکیها و ساواما را هم در آغوش میگیرد و حتی به کمک نوچه هایش دار و دسته نگهدار برای سپاه پاسداران سرمایه ، سلاح، توپ و تانگ ، موشک و سلاح شمیایی تهیه میکند، برای وقتیکه کارگران و زحمتکشان بخواهند به حرکات کور بیردازند و در نظم و دمکراسی اخلاص کنند ، به جزای اعمالشان برسانند .

سؤال – فکر نمی کنید که شما در مورد تنوری جدیدتان حافظه جمعی و فردی هم به نعل زده اید و هم به میخ ؟  
جواب - ابدأ ، ابدأ ، فریب کسانی که حافظه جمعی خطاکار دارند نخورید ، موی لای درز تنوری های من که ساخت و پرداخته شوهرم و راه کارگر است ، نمی رود ، من به دو نوع حافظه جمعی معتقد هستم ، یکی مثل سنتی ها که با کله پوکشان سرکار دارد ، که حتما خطا کار است ، بطور مثال خطای آنها در مورد زیبایی عزیز کردمان و سایر همکارانش ، اما حافظه جمعی که در شکمش غور و تفحص میکند ، نتیجه گیریش حاصل صداهایی است که در شکمش ایجاد می شود و به همین دلیل خیلی انصاف دارد و برای همین است که حق دارد، خودش را پدر خوانده همه بداند و از جانب آنها بذل و بخشش کند، حق دارد رفسنجانی جانی و دزد کلاش را سردار سازندگی ، گنجی جنایتکار را قهرمان قالب کند ، و از بین ملاحی سرمایه خاتمی را متخصص اصلاحات به مردم قالب کند ، حق دارد طرفدار رفرم باشد و از مزدهای بخور و نمیر کارگران ، کم کند، تا سود سرمایه داران مهربان بیشتر و بیشتر شود و بدین ترتیب جامعه به حال تعادل منطق شکمی در بیاید .

س - پس به همین دلیل است که شما افشای مزدوران سرمایه را برخوردهای هیستریک میدانید و از وحشت افشای آنها به هیستری دچار شده اید .

ج - من و گروهم به هر چیزی که بخواهد سیستم سرمایه را زیر ضرب ببرد، انواع برجسب هایی که از حزب برادرمان توده آموختیم خواهیم زد، همان طور که در کنفرانس برلین به کسانی که علیه سرمایه داران محبوب اسلامی شعار دادند چماقدار گفتیم ، و امیدواریم با این برجسب ها بتوانیم کسانی را که در گفتن شعارهای رزمندگی دچار تزلزل شدند جذب و یا منفعل کنیم .

سؤال – چه چیزی باعث شد که حاجی مهربان زیبا خانم ، شما را از تخته ها بیرون بیاورد ؟

جواب - من به طور کلی با سنتی ها و شعار رزمندگی شان فاصله زیادی گرفتم آن هم از وقتیکه با همسرم آشنا شدم و او که در زندان سرمایه داران سلطنتی تطهیر شده بود و بعد با وجود آمدن دموکراسی اسلامی ، به طور کامل تطهیر شد ، مرا هم تطهیر کرد، و در زندان هم به نوعی نشان میدادم که تطهیر شده هستم ، ولی متأسفانه اشتباهی به تخته ها فرستاده شدم ، ولی از آن جایی که حاجی دوست داشتنتی زیبا جان ، آهن فروش بود و خیلی خوب فرق آهن و مس را میدانست ، فهمید که در مورد من اشتباهی رخ داده و به همین دلیل خوشبختانه به سرعت مرا از تخت ها بیرون آورد .

سؤال - چی شد که به خارج کشور آمدید، به گفته خودتان در ایران دموکراسی اسلامی آن قدر زیاد هست که کارگران و زحمتکشان از بس آن را خورده اند دارند خفه می شوند و به همین دلیل مدام به خیابان می ریزند و به خاطر استفاده زیاد از دموکراسی اعتراض میکنند؟

جواب - از صداهای شکم به من الهام شد که زندانیان سیاسی رفرمیست بدون نماینده مانده اند و در به درد دنبال یک نماینده هستند ، زنان فعال رفرمیست بدون سرپرست هستند، جایزه ها روی دست حقوق بشری ها باد کرده و کسی را که اهل حقوق بشر بازی باشد پیدا نمی کنند. بنابراین سریع آدمم و در اولین فرصت با کالین دوپای حقوق بشری تماس گرفتم و جای پایم را در محافل حقوق بشری محکم کردم ، و در ضمن همسرم با سرعت برایم نوشتن خاطرات زندان را شروع کرد، و از آن جایی که حقیقت زندان های مخوف سرمایه داران اسلامی را خیلی ساده و شیرین توصیف کردم ، مورد توجه همه رفرمیست ها از کوچک و بزرگ قرار گرفت و نمایندگــان حقوق بشر آلمان که مثل خواهرمان زیر بوته لاله عباسی از داستان های آلفرد هیچکاک که سنتی ها آنها را در مورد شکنجه در زندانهای سرمایه داران اسلامی در مورد مسئولان محترم زندان جعل میکنند، خوششان نمی آید، کتاب ساده و آرام بخش مرا کاندیدای جایزه کردند.

یک سؤال خیلی خصوصی ، به چه دلیل زیبا خانم نازنیتان عزم خارج را کردند ، ایشان که عزیز کرده و خط دهنده حاجی بودند ؟

جواب - ایشان خبر شدند که اتحادیه اروپا کمونیست ها را جنایتکار میدانند و محکوم کرده است و قرار است که کمونیسم ممنوع شود ، که در آن صورت مثل آمریکا و سایر جاها کمونیست کشی و تطهیر آنها هم شروع خواهد شد، و از آن جایی که حاجی تمام ابتکارات تطهیر کردن را از زیبا جان یاد گرفته بود، مقامات در ایران فکر کردند که شیوه های ارشادی ایشان در آلمان هم بتواند موفقیت آمیز باشد.

سؤال - چرا سیبای شما با محیط زیست در هامبورگ کار میکند ؟

جواب - فکر میکنم در سؤال بالا جوابتان را داده ام ، به خاطر اینکه ممکن است بزودی اتحادیه اروپا کمونیسم را ممنوع کند ، ایشان را برای پاک کردن محیط زیست از وجود کمونیست ها لازم دارند. کاری که در زندانهای ایران میکرد ، هیچ اشکالی هم ندارد، مگر خانم آذر ماجدی که قبل از قیام ۵۷ و هم چنین در دوران قیام در خارج بودند و تنها گروهی را که می شناختند گروه حمایت از حقوق حیوانات نبود، و هنوز هم برسر موضع خود هستند و چهارپایان حاکم در اسرائیل را بسیار دوست دارند و به آنها به عنوان حامیان دموکراسی ارزش می گذارند . چون آنها هم وجود سرزمین فلسطین را از شعار رزمندگی دهندگان پاک کردند.

سؤال - شنیده شده است که رفرمیست ها از دفاعیه شما از خانم سیبا ( همکار شکنجه گران ) در مقابل دو نفر از زندانیان سیاسی سابق که او را افشاء کردند و اخیراً در سایت لیبرال بیداران چاپ شده است آب از دهانشان راه افتاده است و از آن استقبال کرده اند.

جواب - ما همه یک تن واحد هستیم ، آنها آن چنان شیفته نظرات من هستند ، که فکر میکنند که آنها صداهایی است که از شکم خودشان در می آید .

سؤال - شما گفته اید که پناهندگی مدال نیست که به سینه کسی بزنند ، پس چرا گالین دوپا ، آن را به سینه شما نصب کرده است ؟

جواب - حافظه جمعی شما همیشه خطا میکند ، من گفتم که به اطلاع مقامات حقوق بشری رسانده ام که کسانی که حافظه جمعی خطا کار دارند ، دایماً شعار رزمندگی میدهند و باعث تحریک کارگران می شوند که مغل آسایش سرمایه داران مهربانمان شوند، آنها روی کارگران را زیاد میکنند، که دست به اعتراضات کور بزنند و مانع شوند که سرمایه داران مهربانانه اندازه نیازشان سود ببرند، بنابراین به خاطر اینکه ما از آنها فاصله زیادی دارم ، هرچه مدال روی دستتان مانده به سینه من بزنید تا مثل رهبر کبیرمان برژنف در روسیه آنقدر مدال برسینه ام باشد که موقع حرکت به خاطر سنگینیم یک تریلی مرا حمل کند .

سؤال - چرا سیبای شما برای خودش اسم مستعار انتخاب کرده است و شما هم این اسم را تکرار میکنید ؟

جواب - من چون از صداهای شکم دریافته بودم که ممکن است دو تا زندانی سیاسی سنتی پیدا شوند و درباره او شایعه پراکنی کنند ، البته ما هم مثل رهبر عظیم گور به گور شده مان توی دهن هرکسی که درباره او و همکاران دیگر سرموضعی او بخواید شایعه پراکنی کند میزنیم ، البته این عمل شریف را باید رهبر عظیم دیگرمان بزنند ولی از آن جایی که ایشان دستشان را در اختلافات قدرت و تقسیم غنائیم با رفسنجانی از دست دادند ، ایشان این وظیفه شرعی را به من محول کردند.

س - شنیده شده است که شما مایلید به همراه زنان کارزاری در جلو دادگاه سرمایه داران مهربانتان در لاهه سخنرانی و از حق سیبا و سایر همکارانشان به عنوان زنان زخم دار دفاع کنید ؟  
ج - نه متأسفانه زانی هستند که از من زرنکتر و سیاستمدارتر هستند که به من میدان نمیدهند.

س - پس شما در کجا می خواهید از سرموضعی بودن آنها دفاع کنید، در هانوفر هم که سنتی ها نگذاشتند که او به اندازه ای که مایل بود، از محسنات خامنه ای جانش و حاجی عزیزش تعریف و تمجید کند؟  
ج - خوشبختانه کنفرانس بین المللی زنانمان که هر سال در یک از کشورهای دمکرات جهان برپا می شود ، به زودی در ماه ژوئیه برپا خواهد شد و طبق معمول زنان طرفدار رژیم جانی را هم برای سخنرانی دعوت میکنند و در آن جا زیبا جان تنها نیستند و با کمک خانم های سخنران وارداتی از ایران در حمایت از سرمایه داران خونخوار رژیم ایران سنگ تمام خواهیم گذاشت .

آخرین سؤال - ممکن است برای خواهران رفرمیست تعریف کنید که چه موفقیت هایی در مرداب دمکراسی بورژوازی کسب کرده اید ؟

جواب - من به خاطر تصمیمات شکمی خیلی سرشناس هستم به طوری که هر جا می نشینم ، زنان رفرمیست برای اینکه از صداهای شکم برخوردار شوند ، برای کنار من نشستن از هم سبقت میگیرند، به همین دلیل من مرتب از شهری به شهر دیگر اسباب کشی میکنم که همه زنان رفرمیست از صداهای شکم بهره مند شوند. البته از همه چیز مهمتر به نظر می آید که بعضی از زندانیان سیاسی سابق هم که شعار رزمندگی میدادند ، کم کم دارند از صداهای شکم من خوششان می آید و حتی یکی از آنها بعد از سخنرانیش نگران بود که مطالبی که گفته است ، مناسب نبوده است ، که من او را دلداری دادم که دلواپس نباش ، دوران ، دوران نان به نرخ روز خوردن است ، و به خاطر همین موفقیت ها مصمم هستیم که برای بوجود نیامدن بحث و چالش های که در گذشته موجب منزوی کردن خواهران و برادران توده ای و بطوری کلی رفرمیست ها و فرصت طلبانه می شد، خون هایی را که بر دستتان مزدوران سرمایه در کمک با جایبان رژیم هست ، به شکلی پنهان کنیم تا بدین وسیله بتوانیم با جذب افرادی که میان دو صندلی هستند ، خودمان را تقویت کرده و جبهه شعار رزمندگی را منزوی کنیم .

صبا اسکویی

۷ مارچ ۲۰۰۶